

حکایت گذر پیامبر (ص) بر گروهی که بلند می‌خندیدند

۱۹ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۳:۲۱

یکبار رسول اکرم (ص) برای نماز آمدند. گروهی را دیدند که آشکارا می‌خندند و بر اثر خنده دندانهای آنان ظاهر است. آن حضرت فرمودند: اگر مرگ را بسیار یاد کنید آن حالی را که من می‌بینم نخواهید داشت، لذا مرگ را بسیار یاد کنید.

امام علی (ع) در خطبه نود و نهم نهج البلاغه از زهد و ترک دنیاپرستی سخن می‌گوید و می‌فرماید: او را بر نعمتهایی که عطا فرموده ستایش می‌کنیم و در کارهای خود از او استعانت می‌جوئیم، از او سلامت در دین می‌خواهیم همان گونه که تندرستی در بدن از او تقاضا داریم. ای بندگان خدا شما را به ترک این دنیائی که سرانجام شما را رها می‌سازد توصیه می‌کنم اگرچه شما ترک آنرا دوست ندارید، دنیایی که جسمهای شما را کهنه و فرسوده می‌کند با اینکه دوست دارید، همیشه تازه و نو باشید. شما و دنیا به مسافرانی می‌مانید که تازه گام در جاده نهاده‌اند احساس می‌کنند به انتها رسیده‌اند و تا قصد رسیدن نشانه‌ای در وسط راه می‌کنند گویا به آن رسیده‌اند. آن چنان دنیا به سرعت می‌گذرد که هنوز گام در آن نگذارده پایان می‌یابد. در حالی که برای رسیدن به مقصد نهایی باید راه زیادی را بییماید. اما چگونه می‌تواند به مقصد برسد کسی که روز معینی در پیش دارد و از آن تجاوز نخواهد کرد. مرگ به سرعت او را می‌راند و عوامل مختلف او را به زور و برخلاف میل به جدایی از دنیا وادار می‌سازد.

پس در عزت و افتخارات (موهوم) این جهان سر و دست نشکنید و به زینت و نعمتهای آن فریفته نگردید و از رنج و سختیهای آن جزع و زاری نکنید، زیرا عزت و افتخارات آن به زودی پایان می‌گیرد و زیور و نعمتهایش زایل می‌گردد و رنج و سختی آن تمام می‌شود و هر خوب و بد در دنیا پایان می‌یابد و هر موجود زنده‌ای به سوی فنا پیش می‌آورد. آیا برای شما در آثار پیشینیان وسیله عبرت نیست که شما را از (کردار بد) باز دارد و آیا اگر اندیشه کنید در آثار پدران خود عبرت نخواهید گرفت؟ مگر نمی‌دانید گذشتگان شما بر نمی‌آگردند و بازماندگان باقی نمی‌مانند، مگر مردم دنیا را مشاهده نمی‌کنید که شبانه روز حالات گوناگونی دارند یکی می‌آید و بر او می‌آیند و دیگری باقی می‌ماند و به او تسلیم می‌گویند و یکی در بستر بیماری افتاده دیگری به عیادت او می‌آید و دیگری در حال جان کندن است. یکی به دنبال دنیا می‌دود در حالی که مرگ به دنبال او در حرکت است و یکی در عالم غفلت فرو رفته در حالی که مرگ و حوادث دنیا او را فراموش نکرده‌اند! و به همین گونه بازماندگان به دنبال گذشتگان می‌آروند. به هوش باشید، نابود کننده لذات و بر هم زننده کامیابی‌ها و قطع کننده آرزوها (یعنی مرگ را) بسیار به خاطر بیاورید در آن هنگام که تصمیم بر کارهای زشت دارید و برای ادای حق واجب خدا و نعمتهای بی‌شمار و احسانهای بی‌پایانش از او استعانت جوئید. مولای متقیان امیرمومنان علی (ع) می‌فرماید: «من اکثر من ذکر الموت نجی من خداع الدنيا؛ هر کس فراوان یاد مرگ کند، از حيله‌های دنیا، رهایی می‌یابد». حضرت علی (ع) می‌فرماید: «و من اکثر ذکر الموت رضی من الدنيا

بالکفاف: هر که بسیار یاد مرگ کند، به اندازه کفاف، از دنیا راضی است».

یادآوری مرگ، تأثیرگذاری‌های مثبت و سازنده‌ای در زندگی آدمی دارد. به خاطر این آثار روحی و تربیتی، در تعالیم و آموزه‌های دینی نیز بدان تأکید و سفارش‌های فراوانی شده است. یکی از آثار سازنده و تربیتی یاد مرگ، پوشیدن لباس زهد در دنیاست. یاد مرگ، دنیا را در چشم انسان زاهد، خوار و کوچک می‌کند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «یاد مرگ، شهوت‌ها را از بین می‌برد، ریشه‌های فراموشی را یکسره بر می‌کند؛ دل انسان را به وعده‌های الهی محکم می‌کند و روحیه انسان را از سنگدلی به لطافت و رقت قلب می‌کشد. نشانه‌های هوس را از بین می‌برد و آتش حرص را خاموش و دنیا را پیش چشمان انسان، کوچک می‌کند!»

این گونه یاد مرگ انسان را از غوطه‌ور شدن در هوس‌ها و لذت‌های دنیوی باز می‌دارد و تحمل سختی‌ها را بر انسان آسان می‌کند. کسی که فراوان به یاد مرگ می‌افتد، به کمترین مال و نعمت دنیا راضی است و دیگر بخل و حرص، در دل او راه نمی‌یابد. او به اندازه نیازش از دنیا بهره می‌گیرد. دنیا و زیبایی‌های آن بسیار فریبنده است و کسی که بتواند با یاد مرگ و قیامت دل خود را روانه سرای دیگر کند، نیرنگ و زرق و برق دنیا، دیگر نمی‌تواند بر او غلبه کند؛ آن چنان که مولای متقیان، امیرمؤمنان (علیه) می‌فرماید: «من اکثر من ذکر الموت نجی من خداع الدنيا: هر کس فراوان یاد مرگ کند، از حيله‌های دنیا، رهایی می‌یابد».

همچنین، ایشان در سفارش‌های خود که در نهج‌البلاغه آمده است، چنین می‌فرمایند: «ای مردم! سفارش من به شما این است که مرگ را از یاد نبرید و کمتر از آن غفلت کنید، چگونه غافل می‌شوید از چیزی که هرگز از شما غفلت نمی‌کند؟ مگر همه روزه، مرده‌ها را نمی‌بینید که بر خلاف میلشان به سوی گورها برده می‌شوند و در حفره‌های تنگ و تاریک آن جای می‌گیرند؟ گویی هرگز در این دنیا زندگی نکرده و در آبادانی آن نکوشیده‌اند. از سرایی که در آن به سر می‌بردند، می‌روند و اسیر توده‌های خاکی که از آن وحشت داشتند، می‌شوند. سرگرم دنیایی بودند که از آن دست کشیدند و آخرتی را که به سوی آن کوچ کردند، تباہ ساختند. دیگر نمی‌توانند از بدی‌هایی که کرده‌اند، برگردند و نه این توان و قدرت را دارند که به خوبی‌هایی که از دستشان برمی‌آید، بیفزایند. به دنیا مهر ورزیدند، ولی دنیا فریبشان داد. به آن اعتماد کردند و او بر زمینشان زد».

این گونه، انسان زاهد روزهای عمر خود را رو به کاستی می‌بیند و هر لحظه، خود را یک گام نزدیک‌تر به مرگ احساس می‌کند و در نتیجه تلاش می‌کند تا برای آن دنیای خود نیز زاد و توشه‌ای فراهم کند، که تأمین کننده نیازهای او در فردای قیامت باشد. آنگاه آن حضرت، خطبه خویش را این چنین به پایان می‌رساند: زاهدان، گروهی از مردم دنیا هستند که دنیاپرست نیستند. پس در دنیا زندگی می‌کنند، اما آلودگی دنیاپرستان را ندارند. در دنیا با آگاهی و بصیرت عمل می‌کنند و در ترک زشتی‌ها، از همه کس سبقت می‌جویند، بدن‌هایشان به گونه‌ای در تلاش و حرکت است که گویا در میان مردم آخرت هستند. اهل دنیا را می‌نگرند که مرگ بدن‌ها را بزرگ می‌شمارند، اما آنها مرگ دل‌های زندگان را بزرگ‌تر می‌دانند.

یکبار رسول اکرم(ص) برای نماز آمدند. گروهی را دیدند که آشکارا می‌خندند و بر اثر خنده دندانهای آنان ظاهر است. آن حضرت فرمودند: اگر مرگ را بسیار یاد کنید آن حالی را که من می‌بینم نخواهید داشت، لذا مرگ را بسیار یاد کنید. هیچ روزی بر قبر

نمی گذرد مگر اینکه در آن روز ندا می دهد: من خانه تنهایی هستم. من خانه خاکی هستم. من خانه کرم‌ها هستم. هرگاه شخص مؤمنی در قبر گذاشته می شود، قبر خطاب به او می گوید: آمدنت مبارک! خوش آمدی! از تمام کسانی که روی زمین هستند تو نزد من محبوب‌تری. امروز که نزد من آمده‌ای بهترین برخورد مرا نسبت به خود خواهی دید. سپس قبر برایش تا منتهای نظر وی وسیع و فراخ می شود و دروازه‌ای از بهشت برایش گشاده می شود که از آن نسیم بهشت و بوهای عطرآگین به او می‌رسد.

هرگاه شخص بد عمل در قبر گذاشته می شود، قبر خطاب به او می گوید: آمدنت نامبارک، بد آمدی. از تمام کسانی که روی زمین هستند منفورترین آنها نزد من تو هستی. امروز که به من سپرده شده‌ای برخورد مرا با خود خواهی دید. سپس برخورد مرا با خودخواهی دید. سپس او را چنان می فشارد که دنده های پهلوی او را در هم فرو می روند و هفتاد اژدها بر وی مسلط می شود. آن اژدها چنان زهر و سم خطرناکی دارند که اگر یکی از آنها بر زمین بدمد بر اثر آن هیچ گیاه و علفی بر روی زمین نمی روید و تا قیامت اژدها او را می گزند. پس از آن، پیامبر اکرم(ص) فرمودند: قبر یا باغی از بهشت است و یا خندقی از آتش دوزخ. خوف و خشیت الهی امری بسیار مهم و ضروری است. روی همین اساس، رسول اکرم(ص) اغلب در فکر و اندیشه عمیقی قرار داشتند و یاد مرگ برای این امر بسیار مفید و سودمند است. به همین جهت آن حضرت(ص) این نسخه را تجویز کردند. بنابراین گاهی، یاد و ذکر مرگ بسیار لازم و ضروری خواهد بود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۱۱۶/حکایت-گذر-پیامبر-ص-گروهی-بر-ص-پیامبر-گذر-حکایت/۲۷۱۱۶>